

غناي فرهنگي شيعه در عصر امام جواد عليه السلام

امام محمد تقی علیه السلام چون زمینه را برای قیام رویاروی و مسلحانه بر علیه نظام جور حاکم مساعد نمی دیدند در هر فرصتی که به دست می آمد برای باور کردن جهاد علمی و تربیت شاگردان و اصحاب شایسته اهتمام می ورزیدند.



امام محمد تقی علیه السلام چون زمینه را برای قیام رویاروی و مسلحانه بر علیه نظام جور حاکم مساعد نمی دیدند در هر فرصتی که به دست می آمد برای باور کردن جهاد علمی و تربیت شاگردان و اصحاب شایسته اهتمام می ورزیدند.

محمد بن حسن بن عمار می گوید: من دو سال نزد علی بن جعفر (عموی امام رضا علیه السلام) بودم و هر خبری که او از برادرش موسی بن جعفر شنیده بود می نوشتم، روزی در مدینه خدمت ایشان نشستیم بودم که ابوجعفر محمد بن علی الرضا علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او وارد شد، علی بن جعفر برجست و بدون کفش و عبا نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد.

ابوجعفر به او فرمود: ای عمو بنشین، خدایت رحمت کند.

او گفت: آقی من! چگونه من بنشینم و تو ایستاده باشی.

وقتی علی بن جعفر به مسند خود برگشت اصحابش او را سرزنش کرده می گفتند: شما عموی پدر او هستید و با او اینگونه رفتار می کنید؟!

وی دست به ریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید اگر خدای عزوجل این ریش سفید را سزاوار (امامت) ندانست و این کودک را سزاوار دانست و به او چنان مقامی داد من فضیلت او را انکار کنم پناه بر خدا از سخن شما، بلکه من بنده او هستم (1).

شفاعت امام جواد علیه السلام به شیعه نیازمند:

مردی از بنی حنیفه نقل می کند: در اولین سال خلافت معتصم عباسی که حضرت جواد علیه السلام به حج رفته بود با ایشان رفیق راه بودم، روزی سر سفره طعام که عده ای از اطرافیان و رجال خلیفه هم حضور داشتند عرض کردم: فدایت شوم والی ما فردی دوستدار اهل بیت است و من به دیوان او مالیات بدهکارم اگر صلاح بدانید نامه ای بنویسید که در حق من ارفاق نماید.

امام فرمود: من او را نمی شناسم. عرض کردم: فدایت شوم همانطور که گفتم او از دوستان شماست، نامه شما به حال من فایده دارد امام علیه السلام کاغذی به دست گرفت و چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم اما بعد آورنده نامه من از تو مذهب خوبی نقل کرد از حکومت تو فقط کار نیک برای می ماند به برادرانت نیکی کن و آماده باش که خدای عزوجل از اندوه ذره و خردل از تو سؤال و بازخواست خواهد کرد آن مرد می گوید:

وقتی وارد سجستان شدم به حسین بن خالد که والی آنجا بود خبر داده بودند که از جانب امام صلوات الله علیه برای او نامه ای می آورم والی در دو فرسخی شهر خودش را به من رساند نامه را به او دادم گرفت و آن را بر دو چشم خویش گذاشت.

گفت: حاجت تو چیست؟

عرض کردم: در دیوان تو مالیات بدهکارم. حسین بن خالد بدهکاری او را از دیوان محو کرد و گفت: تا بر سر کار هستم دیگر مالیات مده بعد پرسید: خانواده ات چند نفر است؟ گفتم فلان قدر فرمان داد به من و آنها احسان کردند، تا او زنده بود دیگر مالیات ندادم و همواره و بطور مرتب در ایام زندگی خویش به من نیکی می کرد(2).

مدارا کردن با پدر:

بکربن صالح نقل می کند به امام جواد علیه السلام نوشتم: پدرم ناصبی و دارای راءی خبیثی است از ایشان خیلی سختی دیده

ام ، قربانت بروم برای من دعا فرما و بفرمائیید چه کار کنم آیا افشا و رسوایش نمایم یا با ایشان مدارا نمایم ؟

امام جواد علیه السلام در جواب نوشت : مضمون نامه شما را پیرامون پدرت فهمیدم ، اگر خدا بخواهد پیوسته برای تو دعا می کنم ، مدارا برای تو از افشاگری بهتر است ، هر آینه با سختی آسانی هست ، صبر نما و شکبیا باش همانا سرانجام کار از آن پرهیزکاران است ، خدا تو را در ولایت کسی که به ولایتش معتقد هستی ثابت قدم دارد ما و شما امانت های خدائی هستیم که امانات خود را ضایع نمی کند.

بکربن صالح می گوید - در اثر دعای آن حضرت - خداوند قلب پدرم را به سوی من برگرداند به نحوی که در کاری با من مخالفت نمی کرد(3).

از پدر دارد نشان :

امام رضا علیه السلام در نامه ای به امام جواد علیه السلام نوشتند:

شنیده ام هرگاه تصمیم داری از خانه بیرون روی غلامان ترا از درب کوچک بیرون می برند و این عمل را بخاطر خیرخواهی به تو انجام نمی دهند بلکه از این راه بخل می ورزند تا مبادا کسی از تو بهره مند شود.

اینک پس از وصول این نامه به حقی که بر تو دارم دخول و خروج خود را از درب بزرگ مقرر بدار و زمانی که تصمیم داری از خانه بیرون بروی زر و سیم همراه خود بردار و هر کس از تو درخواست کرد او را از کرم خود بهره مند ساز و به هریک از عموهایت کمتر از پنجاه دینار عنایت مکن و - تشخیص اعطای - مازاد بر آن برعهده خود توست و به هریک از عمه هایت کمتر از 25 دینار التفات مکن و مازاد بر آن منوط به خواست خودت می باشد.

آری با این دستور می خواهم خدای متعال مقام ترا بلند مرتبه و چشمگیر سازد به همین مناسبت در پایان نامه خود می گویم : انفاق کن و از تنگدستی مترس (4)

میر ملک و داد می آید

حامی عدل و داد می آید

ای گدایان به راه بنشینید

اینک از ره جواد می آید(5).

چهارده صحابی

امام محمد تقی علیه السلام چون زمینه را برای قیام رویاروی و مسلحانه بر علیه نظام جور حاکم مساعد نمی دیدند در هر فرصتی که به دست می آمد برای باور کردن جهاد علمی و تربیت شاگردان و اصحاب شایسته اهتمام می ورزیدند ولیکن شدت مراقبتهای اعمال شده توسط دستگاه خلافت عباسی بدان حد رسید که چهارهزار صحابی در زمان حضرت صادق علیه السلام یاران امام جواد علیه السلام و راویان از حضرت ایشان را مرحوم شیخ طوسی 113 نفر نوشته است .

در این فصل به نحوی موجز راجع به حالات 14 تن از اصحاب سرشناس و گرانقدر که هر کدام شمع وجود خود را وقف ظلمت زدائی از جامعه بشر و ترویج فرهنگ غنی ولایت و امامت کرده بودند اشاره ای گذرا کرده مطالبی را تقدیم می داریم . امید است که مؤثر و مفید باشد. انشاءالله .

1-علی بن مهزیار:

بنا به نقل نجاشی اصل ایشان از دورق (قصبه ای از بخش فلاحیه شادگان) و ساکن اهواز بود. پدرش نصرانی بوده و بعد اسلام آورده است گفته اند که علی درحالی که اسلام آورده کودکی بیش نبود و خداوند معرفت اسلام را به وی احسان کرد و به فقاقت موفق ساخت .

وی از امام رضا و حضرت جواد علیهماالسلام روایت نموده است و از اصحاب ویژه امام جواد علیه السلام به شمار می رود.

ایشان وکیل امام و در نزد آن حضرت دارای منزلت بزرگی بود و همچنین علی بن مهزیار صحابی امام هادی علیه السلام و در برخی نواحی وکیل ایشان نیز بود.

آنجناب شخصیتی مورد وثوق کامل و امین و متعبد بود که مفاهیم بلند و تعدد توقیعات صادر شده از ناحیه معصومین علیهم السلام دلیل متقن این مدعا می باشد.

تعبیر ائمه طاهرين در حق این بزرگمرد ولائی هر انسان پژوهشگر آشنا با طرز بیان آن امرای بیان و امنای خدا، ولی نعمتان مطلق هستی را به اعجاب وا می دارد.

به عنوان نمونه توجه شما را به یکی از توقیعات امام محمد تقی علیه السلام خطاب به شیعه ولائی صاحب سربلند همت (علی بن مهزیار) جلب می کنیم :

ای علی ، خداوند پاداش ترا نیکو گرداند و ترا در بهشتش جای داده از خواری دنیا و آخرت حفظ نماید و با ما (اهل بیت) محشور گرداند، ای علی من تو را امتحان کردم و در خیرخواهی ، فرمانبرداری ، خدمت بزرگداشت و به جای آوردن آن چه بر تو واجب است آزموده ام پس اگر بگویم مانند ترا ندیده ام امید دارم که صادق باشم ، خداوند نعمات جناب الفردوس را به شما پاداش دهد.

جایگاه و خدمت شما در گرما و سرما و شب و روز بر من پوشیده نیست . از خدا می خواهم که در روز قیامت با رحمت خویش چنان ترا بیوشاند که مردم غبطه خورند همانا خداوند بسیار شنوای دعاست .

و در توقیعی دیگر خطاب به علی بن مهزیار چنین می فرماید:

مرا بوسیله آنچه که ذکر نمودی مسرور و خوشحال کردی ، همانطور که تو مرا همیشه خوشحال می نمائی خداوند رؤف ترا به وسیله بهشت مسرور بفرماید. آنطوری که من از تو راضی هستم خداوند از تو خشنود باشد.

کشی علیه الرحمه ضمن اشاره به نصرانی بودن پدر ایشان یکی از حالات عبودیت این مرد الهی را چنین بیان می کند: زمانی که خورشید طلوع می کرد به سجده می رفت تا به هزار نفر از برادران دینی اش مثل آنچه برای خود دعا می کرد. دعا نمی کرد سر از سجده بر نمی داشت و در پیشانی جای سجده داشت .

ولیکن آنچه در خور تاءمل و شایسته تاءسی به اهل نظر و شیفتگان خدمت به دین و عاشقان به حریم قدسی ولایت است اینکه :

روحیه تعبد او را از وظایف سیاسی اجتماعی و فعالیت‌های علمی باز نمی داشت و همین ویژگی باعث شد که از آن عزیز 33 کتاب یادگار بماند که از جمله می توان به کتابهای ذیل اشاره کرد:

1- کتب الحسین بن سعید و زیادة 2 - کتاب القائم 3 - کتاب البشارات 4 - کتاب الانبیا 5 - کتاب الخمس 6 - کتاب الوضوء 7 - کتاب الصلاة .

و از طریق این عالم عامل ولائی احادیث گرانبھائی به ما رسیده است و حداقل ایشان در سند 437 حدیث واقع شده اند(6).

روحش شاد و از نعمات بی پایان عشق مقدس ولائی خویش متنعم باد.

2- ثقة الاسلام محمد بن ابی عمیر:

کنیه وی ابواحمد اصلش بغدادی است و ساکن بغداد نیز بوده است . شخصیتی جلیل القدر و از اصحاب اجماع نزد شیعه و اهل سنت است ، عامه و خاصه او را به وثاقت و جلالت شناخته و تاءبید کرده اند.

وی عابدترین و پاکدامنترین فرد زمان خود بوده و برخی از حیث فقاھت ایشان را از یونس بن عبدالرحمن هم مقدم دانسته اند

و قابل ذکر است که اصحاب رتبه بس ولای فقهی برای یونس قائل بوده اند و ایشان را افقه می دانستند.

محمد بن ابی عمیر افتخار درک محضر سه امام (حضرت کاظم و رضا و جواد علیهم السلام) داشته است و دارای تالیفات عدیده ای می باشد.

ابن بطه می گوید: ابن عمیر 94 کتاب داشته از جمله: النوادر الکبیر، الرد علی اهل القدر والجبر، کتاب الامامه، کتاب المتعه و کتاب الاستطافه.

روایت شده که ایشان برای امتناع از قبول منصب قضاوت زندانی و بنا به نقلی بخاطر گرفتن اطلاعاتی راجع به شیعیان او را زندانی کرده و مورد شکنجه قرار دادند و 100 تازیانه زدند و طاقتش تمام شد و نزدیک که نام شیعیان را ببرد که ناگاه صدای محمد بن یونس بن عبدالرحمن را شنید که گفت محمد بن ابی عمیر اذکر موفقک بین یدی الله و با یادآوری آخرت و اجر اخروی شکنجه دنیوی را برجان خرید ولی اسرار شیعیان رافاش نکرد.

برخی از مورخان مدت زندان او را چهار سال نوشته اند ولی مرحوم شیخ مفید با ذکر روایتی که سلسله سند آن به علی بن ابراهیم صاحب تفسیر و پدرش می رسد مدت زندان وی را 17 سال دانسته می نویسد که طول زندگی باعث شد که اموال وی از بین برود(7).

علاوه بر ضرر مادی طول مدت زندان محمد بن ابی عمیر منجر به از بین رفتن کتابهای ارزنده روائی ایشان شد. زیرا زمانی که ایشان زندانی شده بودند خواهرانش سعیده و آمنه که خودشان نیز از راویان حدیث به شمار می روند کتابهای او را جمع کرده و در غرفه ای نهادند. لیکن در طول زمان بارش باران باعث از بین رفتن کتب ارزشمند ابن ابی عمیر شده بدین سبب محمد بن ابی عمیر پس از آزادی از زندان مجبور شد یا از روی نسخه هایی که قبل از تلف شدن آثارش از روی آن ها نسخه برداری کرده بودند روایت کند و یا از حفظ روایت کند ولیکن جلالت شاءن و وثاقت زبانزد عام و خاص ایشان باعث شد که مراسیل (حدیثی که سلسله راویان آن ذکر نشده باشد) وی مقبولیت یافته و عبارت: مراسیل ابن ابی عمیر کمسانیده مشهور گردد.

محمد بن ابی عمیر بزاز و فردی ثروتمند بود که برخی سرمایه وی را پانصد هزار درهم نقل کرده اند. مرحوم شیخ صدوق و شیخ مفید روایت می کنند که ابن ابی عمیر ورشکست شد از مردی ده هزار درهم طلب داشت آن مرد ماجرا را فهمید، خانه اش را به ده هزار درهم فروخت و پولش را برای ابن ابی عمیر برد چون به درب خانه او رسید، درب خانه را زد ابن ابی عمیر بیرون آمد، آن مرد پولها را به او داد و گفت این طلب توست که آورده ام.

ابن ابی عمیر پرسید این ثروت را از کجا بدست آورده ای، آیا ارث به تو رسیده یا کسی بخشیده است؟

گفت: هیچکدام بلکه خانه ام را فروخته ام تا قرض ترا بدهم ابن ابی عمیر گفت: ذریح المحاربی به من از امام صادق علیه السلام روایت کرد که: قال علیه السلام: لایخرج الرجل عن مسقط راءسه.

انسان برای ادای قرض خانه خود را ترک نمی کند.

آنگاه گفت: این پولها را بردارید من نیازی به چنین پولی ندارم با آنکه به خدا سوگند حتی به یک درهم نیز نیازمند می باشم ولی یک درهم از این پول را بر نمی دارم(8).

ابن ابی عمیر در دو خصیصه شهره زمان خود بود.

1- حافظه بسیار قوی که چهل کتاب را حفظ کرد و اسم آن چهل کتاب را نوادر نامید و بدین خاطر هم به مراسیل او، همچون مسانیدش اعتبار قائل هستند.

2- روحیه عبادی کم نظیر: بطوری که در طولانی نمودن سجده معروف بود و در کثرت عبادت، افراد را با او می سنجیدند.

با عنایات الهی و زحمات طاقت فرسا محمد بن ابی عمیر توانست سرمایه بسیار گرانبهایی از علوم و معارف اهل بیت عصمت و طهارت را به منتقل نماید تا آن جا که آن پرهیزکارترین و پارساترین شخصیت زمان خویش در سلسله سند تعداد 645 حدیث واقع شده است. جزاه الله عن الاسلام خیرا(9).

3- احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی :

آنجناب اهل کوفه و از یاران مخصوص امام رضا و امام جواد علیهما السلام و نزد آنها بسیار ارجمند بود و صاحب تالیفات که مهمترین آثار ایشان الجامع کتاب النوادر است . وی فردی مورد اطمینان کامل و فقهش مورد قبول عامه دانشمندان شیعی است (10).

از ایشان 788 روایت رسیده .

شیخ طوسی در کتاب الغیبه ذیل عنوان الواقفه می نویسد:

او واقفی بود سپس بخاطر معجزاتی که از دست امام رضا علیه السلام ظاهر شد و بر صحت امامت امام رضا علیه السلام و فرزندان او معتقد شد.

او از آل مهران بود و آن ها واقفی بودند ولی وی بر خلاف رای آنها بود.

از احمد بن محمد ابن ابی نصر بزنطی نقل شده که من نزد امام رضا علیه السلام بودم خواستم برگردم ، امام فرمودند: باش من در پیش امام ماندم ، سپس امام به کنیزشان فرمودند: لحاف و رختخواب مرا بیاور و برای احمد در آن اطاق جا بینداز، وقتی که وارد خانه شدم احساس غروری به من دست داد و از ذهنم گذشت مثل منی در خانه ولی الله و بر رختخواب او؟!!

آن گاه امام مرا صدا زد و فرمود:

علی علیه السلام از صعصعه بن صوحان عیادت فرمود، پس از عیادت فرمود: ای صعصعه عیادت مرا از خودت بر قوم خویش فخر قرار مده ، برای خدا تواضع کن تا بلند مرتبه ات نماید(11).

بدین ترتیب امام بصورت غیر مستقیم به این صحابی خویش درسی فراموش نشدنی داد او را به راه نیل به مراتب عالیه رهنمون ساخت .

زکریا بن آدم :

اهل قم و از یاران بسیار نزدیک حضرت امام رضا و امام جواد علیهما السلام بود.

وی از اصحاب مورد اعتماد و صاحب سر این دو امام بود. بطوری که در یکی از شرفیابیهایش به محضر امام رضا علیه السلام امام از اول شب تا صبح با او در خلوت سخن می گفت .

کشی علیه الرحمه در روایتی که از عبدالله بن الصلت القمی نقل کرده چنین می نویسد که وی گفت : در آخر عمر امام جواد علیه السلام به خدمت آن حضرت رسیدم از ایشان شنیدم که می فرمود: خداوند به صفوان بن یحیی و محمد بن سنان و زکریا بن آدم از طرف من جزای خیر عنایت فرماید آنان یاران با وفای من هستند.

و از امام رضا علیه السلام روایت شده که ایشان در جواب به فردی که گفت : راه من دور است و همیشه نمی توانم به محضر شما برسیم احکام دینم و معارف را از چه کسی فرا گیرم ؟

امام رضا علیه السلام فرمود: از زکریا بن آدم که در امور دین و دنیا امین است . از این یار باوفای امام جواد علیه السلام تعداد چهل حدیث به ما رسیده است .

زکریا بن آدم پس از عمری ، تلاش خالصانه در شهر مقدس قم رحلت نمود و در قم دفن شد و مزار وی اکنون زیارتگاه مؤمنین است (12).

5- محمد بن اسماعیل بزیع :

از یاران سه امام معصومین امام : موسی بن جعفر، علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجواد علیهم السلام است .

وی فردی صالح ، اهل عبادت ، درستکار، پرکار وصاحب تالیفات است از جمله آثار او کتاب : ثواب الحج و کتاب الحج می باشد.

ایشان در عین حال یکی از وزرای دربار عباسی بود و در دیوان آنها کار می کرد در این رابطه از امام رضا علیه السلام وارد شده که فرمودند:

خداوند در دربار ستمگران بندگانی دارد که به وسیله آنان برهان خود را آشکار می سازد و آنان را در شهرها قدرت می بخشد تا بوسیله آنان دوستان و اولیای خود را از ستم ستمگران نگاهدارد و امور مسلمین را سر و سامان دهد آنها پناه مؤمنین در حوادث و خطرها هستند و شیعیان نیازمند ما و گرفتاران به آنان پناه می آورند و رفع گرفتاری خود را از آنان می خواهند.

خداوند بوسیله اینان مؤمنان را از ترس ستمگران ایمن می کند. آنها مؤمنان راستین و امینان خدا در زمین هستند.

از نور آنان رستخیز نورانی است به خدا قسم بهشت برای آنها و آنان برای بهشت آفریده شده اند؛ بهشت بر آنان گوارا باد.

آنگاه فرمودند: هر یک از شما بخواهند می تواند به همه این مقامات برسد.

محمدبن اسماعیل سوال کرد: فدایت شوم با چه چیز؟

امام فرمود: اینکه با ستمگران باشد ولی با شاد کردن شیعیان ما، ما را خوشحال نماید.

در پایان خطاب به محمدبن اسماعیل که از وزرای دربار عباسی بود فرمود: ای محمد تو نیز از آنان باش .

علاوه بر آن امام رضا علیه السلام در مجلسی که از محمد بن اسماعیل سخن به میان آمد فرمودند: دوست دارم در میان شما مثل او بی باشد(13).

برقی محمد بن اسماعیل را از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهماالسلام دانسته و شیخ وی را از اصحاب امام کاظم علیه السلام شمرده است .

کشی علیه الرحمه می گوید که او از امام جواد علیه السلام پیراهنی برای کفن خواست وامام هم پیراهن رابه محمد بن اسماعیل بزیع اعطا فرمود و هم او را راجع به نحوه استفاده از پیراهن در کفن راهنمایی فرمود.

از طریق ایشان 229 حدیث رسیده است .

وجود محمد بن اسماعیل بزیع نمونه ای از میزان تاءثیر عمیق وجود سراپا لطف و رحمت امام جواد علیه السلام از یک سو و تاءثیر ایمان و باور عمیق فرد در غلبه بر هاله های ناشی از محیط امید که افراد روشن و دارای وجدان بیدار با تاءسی به امثال محمدبن اسماعیل بزیع زمینه را برای پذیرش بیش از پیش اهداف ارزشی و نجات بخش اسلام عزیز فراهم نمایند.

6- فضل بن شاذان بن خلیل ازدی :

آنجناب اهل نیشابور از فقهاء و متکلمین نامدار شیعه ، شخصیتی مورد اعتماد و برخوردار از جلالت قدر و دارای تالیفات عدیده که بعضی آثار وی راتعداد 180 جلد کتاب نوشته اند وی مفتخر به درک محضر چهار امام (حضرات معصومین امام رضا و جواد و علی نقی و حسن العسکری علیهم السلام) بوده و مدت‌های مدیدی از محضر بزرگانی چون محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و... و پس از یونس بن عبدالرحمن و سکاک شیخ الطائفه بوده است .

امام حسن عسگری علیه السلام دو یا سه مرتبه برای فضل طلب رحمت کرده است .

از جمله آثار ارزنده والجواهر، کتاب العلل ، کتاب التوحید فی کتب الله ، کتاب اثبات ارجعة ، کتاب تبیان اصل الضلاله .

وی در سلسله سند 755 روایت واقع شده است (14).

ایشان از جمله محدثین والا مقام هست که عالم به زمان ، شبهه شناس و شبهه زدای متعهد بود و با تلفیق روحیه ولایی ، شجاعت و خستگی ناپذیری درعالم اسلام درخشیده است .

7- حبیب بن اوس طائی ، ابوتمام :

اصل آنجناب از شام بوده و در دوره جوانی در مسجد جامع مصر سقایت می کرد، سپس با ادبا همنشین شد، بسیار فهیم و تیز هوش بود و شعر را دوست می داشت و از آنها فراگرفت و شعر گفت و خوب هم سرود تا اینکه شعرش اوج گرفت و نامش مشهور شد و آوازه اش به معتصم رسید و این خلیفه عباسی او را به سر من راءى (سامرا) برد.

ابوتمام قصائدی سرود و معتصم به وی جایزه داد و او را بر شعرای دیگر مقدم داشت .

وی مشهور به سعه صدر، خوش اخلاقی و بلند طبعی بود نجاشی و علامه می نویسند: او امامی بود و اشعار زیادی درباره اهل بیت علیهم السلام سرود از جمله قصیده ای دارد که در آن نام ائمه را ذکر می کند تا اینکه به امام محمد تقی (ابى جعفر ثانی) علیه السلام می رسد. (چون در زمان امامت امام جواد علیه السلام بوده است).

جاحظ در کتاب الحیوان می گوید: ابوتمام الطائی به من حدیث گفته وی از رؤ ساءى شیعه بود و کتاب حماسه ، کتاب مختار شعرالقبائل از ایشان است .

ابن خلکان می نویسد: وی شاعری مشهور و یگانه عصر خویش بود در فصاحت لفظ، بافت شعر و سبک نیکو بود و کتاب الحماسه فضل مواج او را نشان می دهد.

وی حافظه ای قوی داشت و چهارده هزار ارجوزه عربی بعلاوه قصائد - قلعه ها و مدح خلفا حفظ بود(15).

8- حسن بن محبوب :

ابوعلى حسن بن محبوب بن وهب بن جعفر وهب السراد:

از بزرگان کوفی است ، وی شخصیتی جلیل القدر و از فقهای نامی بود و از چهار رکن علمای عصر خویش به حساب می آید، از اصحاب اجماع و از فقهای است که اصحاب ما (امامیه) بر تصحیح آنچه در نزد او صحیح بوده اجماع کرده اند. این بزرگوار به درک محضر حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا و امام جواد علیهما السلام مفتخر گردید و از هر سه آنها روایت دارد.

تمامی افرادی که راجع به رجال شیعه کتاب نوشته اند او را توثیق کرده اند.

ایشان علاوه بر محدثی مصنف هم بود (16)ایشان فردی خیر، ثقه ، راوی حدیث و مصنف هست . جلالت شخصیت ایشان جای شک و تردید نیست . او از واقفه بود به سبب معجزاتی که از دست امام رضا علیه السلام ظاهر شد برگشت و به صحت امام رضا علیه السلام پی برد و ملتزم گشت و به امامت حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام معتقد بود و ماند تا محضر امام دهم حضرت هادی علیه السلام رانیز درک کرد.

بنابراین ایشان نعمت درک محضر سه امام معصوم برخوردار شده اند.

یکی از ویژگی های ممتاز آنجناب روایاتی است که راجع به ارکان دین و مخصوصا موضوع خطیر امامت نقل کرده اند از جمله روایتی را از هشتمین مهر سپهر امامت چنین نقل کرده است که ایشان فرمودند:

هر امامی برگردن اولیا و شیعیانش عهدی دارد و از جمله موارد کامل کننده ای وفای به عهد و حسن ادای آن زیارت کردن قبور آنهاست ، پس هر کس از روی علاقه قب آنها را زیارت کند برای تصدیق آنچه که امامان راغب و شیفته آن بودند، در روز قیامت ائمه برای آنها شفیع خواهند بود(17).

9- علی بن اسباط بن سالم :

ابولحسن ، علی بن اسباط بن سالم بیاع کوفی است و افتخار درک محضر حضرت رضا و امام جواد علیهما السلام نصیبش شده و از هر دو امام روایت دارد، وی علاوه بر محدث بودن ، مصنف نیز بوده اند و یکی از ویژگیهای ارزشمند ایشان این است که دارای لحنی خیلی خوب و قاری ممتاز قرآن بود.

نجاشی می گوید: وی مورد اطمینان و قطعی (معتقد به امامت عبدالله افطح) بود میان علی بن مهزیار و ایشان نامه هایی رد و بدل شد و از مواضع گذشته خود برگشت و به امامت امام جواد علیه السلام معتقد شد. او مورد وثوقترین فرد زمان خود و بسیار راستگو بود.

شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام دانسته اند و علامه پس از نقل تعبیر نجاشی و کشی با کمال صراحت می نویسد من به روایت او اعتماد دارم (18).

10- عبدالله بن الصلت :

ابوطالب عبدالله بن الصلت قمی ، یک محدث فقه است که روایتش آرامبخش و مورد اعتماد است ، بعلاوه ایشان مصنف نیز می باشد و از توفیق درک محضر رضا و امام جواد علیهما السلام برخوردار شده و از هر دوی آنها راییت دارد.

شیخ طوسی و نجاشی و برقی و کشی وی را توثیق کرده و روایتش را مورد اطمینان دانسته اند(19).

از طریق ایشان 38 حدیث رسیده است .

11- سعد بن سعد القمی :

سعدبن سعدبن الاحوص بن سعد مالک الاشعری القمی : شخصیت جلیل القدر، مصنف ، محدث ارزشمند و فقیهی نام آور بود.ایشان از افتخار مصاحبت سه امام یعنی حضرات ائمه معصومین : موسی بن جعفر، امام رضا و حضرت جواد علیهم السلام برخوردار گشت و از هر سه امام روایت دارد.

تمامی علمای رجال که پیرامون رواة شیعی کتاب نوشته اند او را به وثاقت یاد کرده اند و از امام جواد علیه السلام تعابیری صادر شده که حاکی از رفعت منزلت و جایگاه اوست(20).

از حدیثهای بسیار ارزشمند ایشان این حدیث شریف است که از هشتمین مهر سپهر امامت نقل کرده است : از ابالحسن الرضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کردم : فرمود:

من زارها فله الجنة .

کسی که او - حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها - را زیارت کند ثواب او بهشت است (21).

12-حسن بن سعید اهوازی :

ابومحمد حسن بن سعید بن حمادبن سعیدبن مهران اهوازی از جامعترین افراد زمان خود در علم فقه ، آثار و سایر علوم اسلامی بود. که با برادر خود در تدوین سی جلد کتابهای او مشارکت داشت ، کتب ارزشمندی که شهرت برادرشان حسین بواسطه آنهاست .

این محدث ، امام رضا و امام جواد علیهما السلام را درک کرده و از هر دوی آنها روایت نقل کرده است .

شیخ طوسی وی را از اصحاب حضرت رضا و امام جواد علیهما السلام نقل کرده و گفته اند که او علی بن مهزیار و اسحاق بن ابراهیم حنینی را به محضر امام رضا علیه السلام آورد و آن خدمت - ارزنده به اسلام و مسلمین - بدست آنها تحقق یافت .

کشی هم به این خصیصه حسن بن سعید در شناسائی ، معرفی و ارتباط دادن افراد شایسته با امام رضا علیه السلام را نوشته که اسحاق بن ابراهیم الحنینی و علی بن ریان و عبدالله بن محمد الحنینی توسط ایشان به امام رضا علیه السلام معرفی شده اند.

شیخ طوسی ، علامه ابن داود و ابن شهر آشوب و متاخرین از علمای رجال ، وی را فردی موثق معرفی کرده اند.

در فهرست ابن ندیم وی فردی جامع در فقه و دارای مناقب و آثار معرفی شده است (22).

13- حسین بن سعید اهوازی :

ابومحمد، حسین بن سعید کوفی اهوازی شخصیتی است جلیل القدر، معروف ، مورد وثوق و اطمینان و صاحب تالیفات ارزنده که تعداد آن را سی جلد نوشته اند و با مشارکت برادرشان حسن آنها را نوشته است . کتابهای او خوب و مورد عمل بودند.

شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت رضا و جواد و هادی علیهم السلام دانسته و بر صاحب تالیفات ، ثقه و اهوازی بودنش تصریح کرده است .

در رجال نجاشی به تالیفات سی جلدی او اشاره شده و همین کتابها منشاء شهرت ایشان معرفی شده است .

در فهرست ابن ندیم جامعیت این دو برادر در فقه و علوم اسلامی در زمان خودشان مورد تائید قرار گرفته است . اکثر کتب رجالی تدوین شده پیرامون رجال شیعه ایشان را توثیق کرده و تمجید نموده اند.

از جمله آثار ایشان می توان به کتب ذیل اشاره کرد:

کتاب تفسیر القرآن ، کتاب الفرائض ، کتاب الحدود، کتاب التقیه ، کتاب الرد علی الغلاة ، کتاب المناقب ، کتاب الزهد، کتاب الشهادات از طریق این دو برادر حدود هفتاد روایت به دست شیفتگان ولایت رسیده است (23).

پی نوشتها:

1- اصول کافی ج 1 کتاب الحجة ، ص 322 حدیث 12.

2- بحارالانوار ج 50، ص 87 - 86، و کافی ج 5 ص 111.

3- بحارالانوار، ج 50، ص 55.

4- عیون اخبار الرضا ج 2 ص 8 بحارالانوار ج 50 ص 102.

5- مدایح و مرآئی - مؤید ص 200.

6- معجم رجال حضرت آیت الله العظمی خوئی ، ج 12، ص 250 - 192.

7- الاختصاص - مفید ص 82 و 83.

8- الاختصاص - مفید ص 83.

9- معجم رجال - حضرت آیت الله العظمی خوئی ج 15.

10- رجال کشی ص 558.

11- معجم رجال حضرت آیت الله العظمی خوئی ج 2، ص 234.

12- معجم رجال حضرت آیت الله العظمی خوئی ص 271 - رجال کشی ص 502 و ص 595 و منتهی الامال حالات امام رضا علیه السلام .

13-رجال نجاشی ص 255.

14-معجم رجال الحديث ج 13 ص 302 - 289.

15-معجم رجال حضرت ایت الله العظمی خوئی ج 4، ص 219 - 217.

16-رجال شیخ طوسی 347 - 372 معجم رجال الحديث 905 مجمع الرجال 1452.

17-الجامع لرواة و اصحاب الامام الرضا عليه السلام ص 196 - 195 علل الشرايع ج 2 ص 495 باب 221 حديث سوم - معجم رجال حديث 365.

18-رجال برقی : 55 و 56 رجال نجاشی : 177 - رجال شیخ طوسی 382 و 403 معجم رجال الحديث 11:277 الجامع لرواة و اصحاب الامام الرضا عليه السلام ص 432.

19-رجال نجاشی : 150 - رجال برقی : 54 و 55 معجم رجال الحديث 10:221 الجامع لرواة و اصحاب الامام الرضا عليه السلام ص 395.

20-رجال نجاشی : 127 - رجال شیخ طوسی 378، رجال ابن داود: 101 معجم رجال الحديث 608.

21-كامل الزيارات : 324 الحديث الاول - عيون الاخبار 2672 الحديث الاول الجامع لرواة و اصحاب الامام الرضا ص 318.

22-رجال نجاشی : - اختيار معرفة الرجال 551 در رقم 1041 - تنقيح المقال : 1:282 - رجال شیخ طوسی : 371 - معجم رجال الحديث 4:342 الجامع لرواة اصحاب الامام ص 183.

23-رجال شیخ طوسی : 374 - فهرست بن نديم : 57، معالم العملما: 39 - تنقيح المقال 1:328 معجم رجال 242 - الجامع لرواة اصحاب الامام الرضا ص 229 و 230.

حسين ايماني يامچی

منبع:زندگانی امام جواد عليه السلام